





نام درس: آموزش زبان فارسی ۱

شماره جلسه: ۲

نیم سال: دوم ۱۳۹۸/۹۹

گروه: زبان و ادبیات فارسی دانشگاه
پردیس علامه امینی آذربایجان شرقی

نام مدرس: دادرس محمدی

- الرَّحْمَنُ ﴿١﴾ [خدای] رحمان (۱)
- عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ قرآن را یاد داد (۲)
- خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾ انسان را آفرید (۳)
- عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾ به او بیان آموخت (۴)

۲- عناصر و قواعد سازندهٔ زبان

معیار

اهداف:

- شناخت عناصر و قواعد ساخت آوایی زبان فارسی
- شناخت عناصر و قواعد ساخت صرفی
- شناخت ساخت نحوی و ساختار جمله
- شناخت ساختار متن به عنوان ساختاری فراتر از جمله
- شناخت ساخت معنایی زبان فارسی

۱-۲ ساخت آوایی زبان فارسی

ماده اصلی زبان‌های انسانی امواج صوتی هستند، این امواج از امواج مکانیکی هستند که بر اثر ارتعاش اجسام کشسان تولید می‌شوند. آواهای زبان نیز امواج مکانیکی هستند که به وسیله حرکت اندامهای گفتاری در جریان هوای عبور کننده از مجرای گفتار ایجاد می‌شود. جریان هوا نیز با مکانیسم تنفسی صورت می‌گیرد. مکانیسمی که منجر به بروز دو نوع جریان هوا می‌شود. الف) جریان هوای دمی ب) جریان هوای بازدمی مکانیسم مورد استفاده برای تولید آواها و ساخت کلمات در اغلب زبان‌ها، مکانیسم بازدمی است.

انواع آواها در تمام زبان‌ها عبارتند از: الف) صامت‌ها ب) مصوت‌ها

۱-۱-۲ توصیف صامتهای زبان فارسی

الف) جایگاه تولید

عنوان جایگاه تولید آواها وابسته به اندامهای دخیل در تولید آنهاست. اندامهای صوتی عبارتند از: تنفسی، واک‌ساز و آواساز

ندامهای تنفسی	ششها، حجاب حاجز، نای، نایچه‌ها، نایژکها
ندامهای واک‌ساز	تارهای صوتی که درون حنجره قرار دارند
ندامهای آواساز	چاکنای (فاصله بین تارهای صوتی)، حفره حلق، دهان

جایگاه تولید صامتهای زبان فارسی:

جایگاه تولید صامتهای زبان فارسی	
p (پ)، b (ب)، m (م)	دوبلی
f (ف)، v (و)	لب و دندانی
t (ت)، d (د)، ṭ (ط)	دندانی
s (س)، z (ز)، ṣ (ص)، ṣ̌ (ث)، r (ر)، n (ن)، l (ل)	لثوی
ʃ (ش)، ʒ (ژ)، tʃ (چ)، dʒ (ج)	لثوی - کامی
k (ک)، g (گ)، y (ی)	کامی
q (ق)، x (خ)	ملازی
ʔ (ء)، h (ه)، ʕ (ع، ا، ؤ)	چاکنایی

برای مطالعه مفصل در خصوص اندامهای تنفسی و اجزای آنها جهت آشنایی کامل با جایگاه تولید آواها به صفحات ۲۴-۲۶ کتاب مراجعه فرمایید

ب) شیوه‌های تولید صامت‌های فارسی معیار

منظور از شیوه تولید حالاتی است که اندامهای تنفسی هنگام تولید یک صامت به خود می‌گیرند.

بیست و سه صامت زبان فارسی با استفاده از شیوه‌های انفجاری، لرزشی، سایشی، روان، خیشومی و انفجاری-سایشی تولید می‌شوند. که در ذیل توضیح مختصری از هر یک ارائه میشود.

۱- شیوه انفجاری: در این شیوه اندامهای آواساز به هم می‌چسبند و در راه خروج هوا مانع ایجاد می‌شود و سپس با رهایی تمام صدای بند آمده در یک لحظه هوا به شکل انفجاری از دهان خارج می‌شود. صامتهایی همچون پ، ب، ت و ... به این شیوه تولید می‌شوند.

۲- شیوه لرزشی:

به شیوه تولید آوایی اشاره دارد که در تولید آن، اندام تولیدی فعال، ارتعاش، بست و رهش را به طور مکرر انجام می دهد. ارتعاش رفت و برگشتی اندام گفتار فعال در تولید آوای لرزشی بین دو تا سه بار رخ می دهد که می تواند تا پنج بار و در حالت مشدد بیشتر از این عدد نیز باشد. در زبان فارسی فقط صامت «ر» با این روش تولید می شود.

۳- شیوه سایشی:

در تولید یک صامت سایشی با نزدیک شدن اندامهای گفتار به یکدیگر، شکافی باریک در مجرای گفتار شکل می گیرد که جریان هوا به دشواری از میان این شکاف گذشته و با سایدگی (سایش) هوا با اندامهای گفتار صامت سایشی تولید می شود. مثل صامت «و»

۴- شیوه روان:

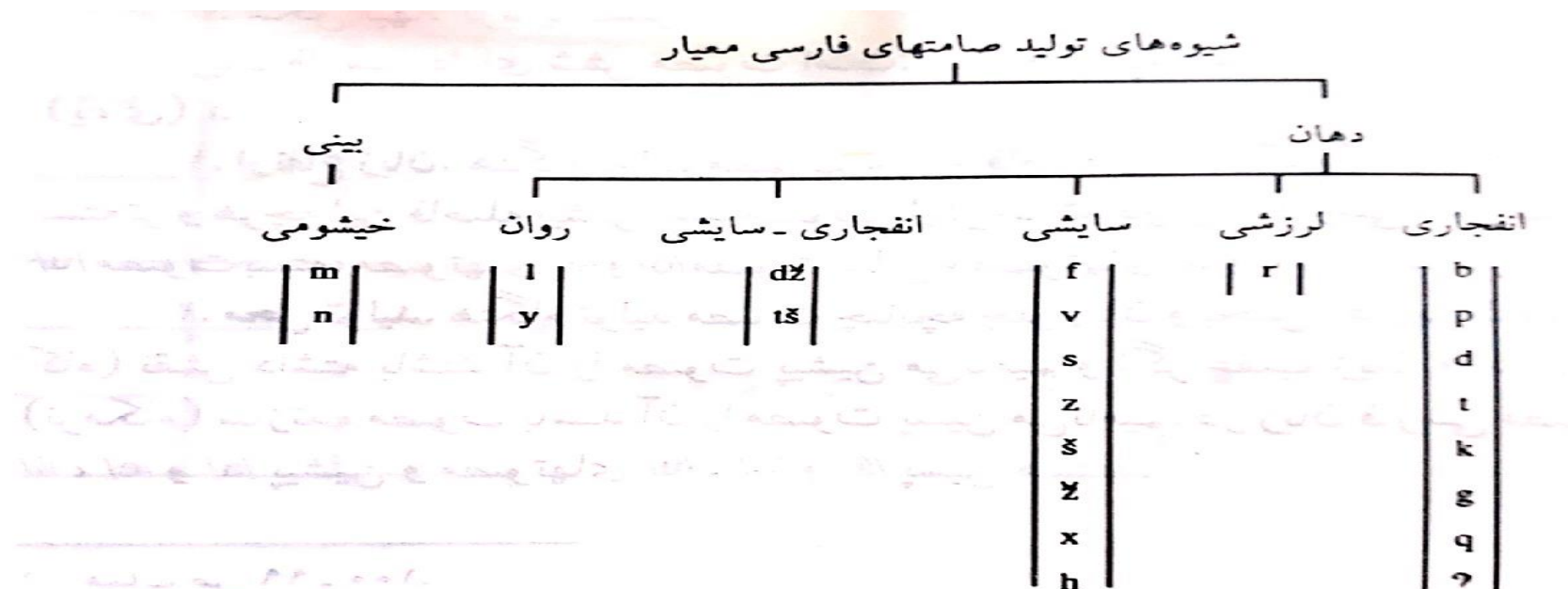
شیوه‌ای است که در آن با وجود گرفتگی یا تنگی مجرای دهان، هوا با آزادی کامل از مجرای دیگری مثل کناره‌های دهان خارج می‌شود. صامت‌های «ی» و «ل» در فارسی به این شیوه تولید می‌شوند.

۵- شیوه خیشومی:

زمانی که به هنگام تولید یک صامت، ملاز، پائین آمده و جلوی ورود هوا به حفره دهانی را بگیرد به طوری که مجرای خروج هوا از حفره خیشوم باشد، به صامت تولیدشده، خیشومی، غنه‌ای یا تودماغی می‌گویند. در زبان فارسی صامت‌های «م» و «ن» با این روش تولید می‌شوند.

۶- شیوه انفجاری-سایشی:

این شیوه یک شیوه مرکب است و صامت‌های «ج» و «چ» در زبان فارسی با این شیوه یعنی ترکیبی از شیوه انفجاری و سایشی تولید می‌شوند.



ج) واگذاری و بی‌واکی در زبان فارسی

آواهایی که تولید آن‌ها همراه با ارتعاش تارهای صوتی است، آواهای واک‌دار هستند.

مثل؛ «د» و «ز»

آواهایی که تولیدشان بدون ایجاد ارتعاش در این تارها است، بی‌واک هستند.

مثل؛ «ت» و «س»

۲-۱-۲ معیارهای توصیف مصوت‌های زبان فارسی

۱- ارتفاع زبان: این معیار با نسبت فاصله زبان از کام متغیر می‌شود

۲- محل تولید: مصوت‌هایی که با نقش فعال جلو زبان و بخش آغازین کام تولید می‌شوند، مصوت پیشین و مصوت‌هایی که با نقش فعال عقب زبان و بخش انتهایی کام تولید می‌شوند، مصوت پسین هستند

۳- شکل لبها: مصوتها با توجه به شکل گرد و گسترده لبها به هنگام تولید، به دو قسمت گرد و گسترده تقسیم می‌شوند

(برای مشاهده مثال‌ها به کتاب مراجعه شود)

۳-۱-۲- مصوت‌های مرکب زبان فارسی

علاوه بر مصوت‌های شش‌گانه ساده در زبان فارسی، که کیفیت‌های آوایی آن‌ها در کل زمان تولید یکسان است، مصوت‌های مرکبی نیز وجود دارد که در هنگام تولید با تغییر مواجه می‌شوند. به این گونه از مصوت‌ها، مصوت مرکب می‌گویند.

الف) مصوت مرکب /ow/ مثل؛ نُو - جُو

ب) مصوت مرکب /ey/ مثل؛ نِی - رِی

۴-۱-۲- صامت همزه در زبان فارسی

شیوه تولید این صامت انفجاری، و اندام تولید کننده‌اش تارهای صوتی است و در نظام الفبایی دارای چند نشانه زیر است.

- حرف الف در ابتدای هجا: مثل؛ اسب ?asb
- نشانه همزه (ء) با کرسیهای «واو»، دندانه و «الف»: مثال؛ سؤال- مسئله- تألیف
- بدون کرسی: مثال؛ شیء
- حرف «عین»: مثال؛ عالی

۵-۱-۲ فرایند تولید ناقص (پدیده تشدید) در زبان فارسی

اگر مرحله انجام یک صامت و مرحله آمادگی صامت دیگر در هم ادغام شوند مرحله درنگشان به هم می پیوندد و حاصل جمع دو درنگ، یک درنگ طولانی را می آفریند. این فرایند زمانی رخ می دهد که دو صامت یکسان کنار هم قرار بگیرند.

پدیده آوایی مذکور، در فارسی تولید ناقص نامیده می شود و نشانه خطی آن در فارسی علامت تشدید — است.

مثال؛ نجّار، بّنا و ...

۶-۱-۲ هجا و ساخت آن در زبان فارسی

هجا بزرگترین واحد ساخت آوایی زبان و متشکل از صامتها و مصوتها است و به واقع معادل «بخش» در مباحث آموزش دبستانی است.

در نظام آوایی زبان فارسی سه نوع هجا داریم:

الف) صامت + مصوت؛ مثل «دا» در کلمه دانشجو

ب) (صامت + مصوت + صامت) مثل؛ «داد» در کلمه بیداد

ج) صامت + مصوت + دو صامت مثل؛ نرد، گرد

قواعد ساخت هجا در زبان فارسی معیار:

الف) عنصر آغازین هجاهای فارسی همواره صامت است

ب) عنصر دوم هجاهای فارسی همواره یک مصوت است

ج) در پایان هجاهای فارسی هیچ گاه بیش از دو صامت نمی آید

با آرزوی توفیق

دادرش محمدی